



علت شناسی تاثیر و بازدارندگی آیه «وان یکاد» از چشم زخم در نگاه فریقین

پدیدآورنده (ها) : سبحانی یامچی، محمد

علوم قرآن و حدیث :: عیون :: بهار و تابستان 1397، سال پنجم - شماره 8 (علمی-پژوهشی)

از 113 تا 148

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1521995>

دانلود شده توسط : محمد سبحانی یامچی

تاریخ دانلود : 17/10/1399

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

علت شناسی تاثیر و بازدارندگی آیه «وان یکاد» از چشم زخم در نگاه فریقین

محمد سبحانی یامچی^۱

چکیده:

شور چشمی و آزار و اذیت رساندن به مال و جان دیگران از راه چشم، یکی از مسائلی است که دلیل عقلی بر نفی آن بیان نشده و نمی توان آن را جزو امور خرافی دانست، چرا که از دیر زمان تاثیر چشمان نافذ در افراد همیشه مورد توجه ملل و نحل بوده و هست. در آموزه های قرآنی یکی از آیاتی که به پدیده چشم زخم پرداخته، آیه «وان یکاد» است. برخی بر این تصورند که این آیه هیچ نسبتی با چشم زخم ندارد و نمایش این آیه بصورت های مختلف از جمله تابلو فرش در منازل، سنخیتی با حالت بازدارندگی از اصابت چشم زخم ندارد. این نگاشت به شیوه توصیفی تحلیلی، حقیقت پدیده چشم زخم در نگاه مخالف و موافق، تاثیرات حقیقی یا مجازی و عاملیت بازدارندگی دفعی یا رفعی شور چشمی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که تاثیر قوه واهمه در چشم زخم، نه تنها مورد تایید عقل و علم بوده بلکه در عالم خارج نیز تجربه شده است و استفاده از آیه شریفه در امر بازدارندگی هم برای دفع چشم زخم و هم برای رفع آثار شوم آن کاربرد عملی دارد.

کلید واژه ها: چشم زخم، شور چشمی، آیه «وان یکاد»، تاثیرات نفسانی، قوه واهمه.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
yamchi88@gmail.com

چشم از مهمترین ارگان های ارتباطی انسان با جهان و ساختمانی بسیار ظریف و اعجاب آور دارد که علاوه بر تاثیر در مشاهده، در نفوذ کلام و تاثیر بر دیگران نقش اساسی ایفاء می کند. تماس چشمی در ارتباطات بین فردی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از زمان های قدیم، چشم و تاثیر آن بر رفتار افراد، مورد توجه انسان ها بوده است. همیشه عباراتی مثل «نگاه خانمان برانداز»، «نگاه هشدار دهنده»، «چشمان خمار»، «چشمان شور» زبانزد خاص و عام بوده است. چنین نام گذاری هایی نشان می دهد که افراد به طور ناخودآگاه متوجه اندازه مردمک چشم ها و حالات نگاه افراد هستند. آقای هس در کتاب «چشمان رسواگر» معتقد است، چشم ها روشن ترین و واضح ترین پیامدهای انسانی را انتقال می دهند، چرا که همیشه در نقطه دید قرار دارند و مردمک ها آزادانه عمل می کنند. (سبحانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲) از آن جا که علاقه یا نفرت از چیزی و کسی موجب عکس العمل مردمک چشم انسان می شود، تماس چشمی مناسب در میان رسانه های غیر کلامی گویا ترین وسیله برای آزمودن شخصیت افراد است و یکی از بهترین راه های ممکن برای وارد شدن به جهان باطنی افراد محسوب می شود، چون چشم ها به اندازه زبان افراد صحبت می کند، با این مزیت که سخن گفتن بوسیله چشم ها به بیان واژه ها نیاز ندارد و یک درک کلی از شخص مقابل را فراهم می کند. (بولتون، ۱۳۸۰، ص ۵۷) انسان قادر است با نگاه کردن به چشمان مخاطب و تنظیم مردمک و بخش هایی از صورت به ویژه پلک بالایی و ابرو، یک رشته از پیام های غیر کلامی را انتقال دهد. بدین خاطر است که بسیاری از مردم اعتقاد بر این دارند که چشم برخی افراد اثر مخصوصی در اشیاء و انسان دارند و

وقتی از روی تعجب یا تنفر به چیزی نگاه کنند، ممکن است آن را از بین برده یا درهم بشکند و یا انسانی را بیمار و هلاک کند. البته چشم زدن یا همان چشم زخم چیزی است که نمی توان آن را انکار کرد و تاثیر نگاه کردن بعضی از مردم در اشیاء و اشخاص تجربه شده است و امکان آن وجود دارد که امواج خاصی از چشمان اشخاص معینی بیرون شود و در شخص یا چیز مرئی تاثیر عمیق بگذارد. (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۴۲۲) حضرت امام سجاد علیه السلام در دعای عافیت خواهی اش، از خدای منان درخواست می کند تا خود و نسلش را از شر چشم زخم در امان دارد. «وَ أَعِزَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَ مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ وَ الْعَامَةِ وَ اللَّامَةِ؛ اِی خداوند، مرا و ذریه مرا از شیطان رجیم در پناه خود دار و از آسیب هر گزنده زهر دارنده و هر بیم و هراس و بلا و چشم زخم در امان دار» (علی بن الحسین، ۱۴۱۹، دعای ۲۳، بند ۶) چرا که تاثیر چشم زخم مورد اتفاق خردمندان (مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۲۴۳) و اعتقاد به تاثیر شوم آن، بعد جهانی دارد (دامن پاک مقدم، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰) و برخی از مفسران بر تاثیر آن ادعای اجماع کرده اند. (جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۴۸؛ کاشانی، ۱۳، ج ۹، ص ۳۹۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۷، ص ۱۵۶)

یکی از آیاتی که ذیل آن مفسرین در خصوص چشم زخم بحث می کنند، آیه «وَ قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ؛ و (هنگامی که می خواستند حرکت کنند، یعقوب) گفت: «فرزندان من! از یک در وارد نشوید؛ بلکه از درهای متفرق وارد گردید (تا توجه مردم به سوی شما جلب نشود)» (یوسف، ۱۱۱) و آیه «وَ إِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ - وَ مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ نزدیک است کافران

هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند با چشم‌زخم خود تو را از بین ببرند، و می‌گویند: «او دیوانه است!» در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست! (قلم، ۵۱-۵۲) معروف به آیه «وان یکاد» است. بیشتر آحاد جامعه از این آیه برداشت تعویذ چشم زخم دارند و آن را به اشکال مختلف، در قالب تابلو فرش بر خانه‌ها آویزان می‌کنند تا از تاثیرات شور چشمی، خود و خانواده در امان باشند. این نگاشت سعی دارد ماهیت چشم زخم و اثر بازدارندگی آن را در آیه «وان یکاد» بررسی کرده و به این سوال پاسخ دهد که اولاً چشم زخم حقیقت دارد یا نه؟ و در بیرون مصداق خارجی برای آن یافت می‌شود. ثانیاً آیه شریفه سوره قلم به چشم زخم مرتبط است یا نه؟ ثالثاً؛ آیه «وان یکاد» اثر بازدارندگی (دفعی یا رفعی) در خصوص چشم زخم دارد یا اینکه این آیه ارتباطی با تعویذ چشم زخم ندارد.

مفهوم شناسی

چشم زخم عبارت است از صدمه و آسیبی که از چشم بد یا چشم شور به کسی برسد، یا آسیب و زیانی که از نگاه یا کلام کسی که چشم شور دارد به کسی یا چیزی وارد آید. (عمید، ۱۳۸۱، ص ۴۹۷) دهخدا چشم زخم را آزار و نقصانی می‌داند که به سبب دیدن بعضی از مردم و تعریف کردن ایشان، به کسی یا چیزی وارد می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۸۱۴۶) صاحب تفسیر نمونه، چشم زخم را نیروی مرموزی می‌داند که در چشم برخی افراد وجود دارد که ممکن است با یک نگاه مخصوص، طرف مقابل را بیمار یا هلاک کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۴۲۴) در آیه شریفه چند واژه نیاز به مفهوم شناسی دارد تا بتوان ارتباط آیه با

چشم زخم را بیشتر نمانان کرد. لذا ناگزیریم این واژگان و مصادیقی که مفسرین برای آن بیان کرده اند را ذکر کنیم.

۱. کفروا

واژه کفر در لغت به معنای پوشاندن است و راغب آن را به معنای پوشیده شدن چیزی می داند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۴۰) کفر در شریعت عبارت است از انکار آنچه خدا معرفت آن را واجب کرده است؛ از قبیل وحدانیت و عدل خدا و معرفت پیغمبرش و آنچه پیغمبر آورده است. (قرشی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۲۲) صاحب مفردات در عرف دین، کافر را کسی می داند که وحدانیت و یگانگی خداوند یا نبوت و دین و یا هر سه را انکار می کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۱۷) در آیه شریفه برای مصداق «الذین کفروا» چند قول بیان شده است. برخی مراد از الذین کفروا را استهزاء کنندگان پیامبر از قریش می دانند. (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۴۱۲) برخی عقیده دارند که مراد از آنها کفار یا کفار مکه بودند. (ثلاثی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۴۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۳۶۸)

۲. لیزلقونک

واژه «زلق» به جای لیز و لغزنده اطلاق می شود و به زمین صاف و نرم که چیزی روی آن نباشد «ارض زلق» گفته می شود. ابن فارس این واژه را به معنی لیز خوردن شیء از جای خود معنی می کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۲۱) چنانچه صاحب لسان العرب آن را به زمینی لرزان که گامها بر آن استوار نیست معنی کرده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۴۴) آقای مصطفوی آن را به

معنی لغزش و سقوط می داند. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۶۳) به نظر مرحوم علامه طباطبایی، زلق به معنای زلل و لغزش است و ازلاق به معنای ازلال، یعنی صرع است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۴۸)

مفسرین در ذیل آیه شریفه سوره قلم برای «لزلقونک بابصارهم» معانی متعددی ذکر کرده اند. برخی آن را به معنی نگاه خشن از روی شدت عداوت و بغض و کینه (واحدی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۲۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۸۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۲۷؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۳۰۸)، نگاه پر از بغض و حسد و عناد و گاه نگاه حسودانه و معاندانه در هنگام قرائت قرآن (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص ۲۵۴؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۲۵۶؛ ملکی، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ص ۵۸؛ امین، بی تا، ج ۱۴، ص ۶۱؛ واحدی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۲۵)، دور کردن (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۴۱۲)، نگاه از روی خشم (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۳۰۲)، ساقط کردن با نظر دشمنی و کینه قلبی، (ابن قتیبه، ۱۴۱۱، ص ۴۱۱؛ بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۸، ص ۱۱۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص ۲۵۴)، لغزش و به خطر افتادن در اثر مسمومیت دیدگان (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۳۶) و برخی دیگر آن را به معنی هلاکت و کشتن معنی کرده اند. (فراء، ۱۹۸۰، ج ۳، ص ۱۷۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۱۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۳۸) صاحب تفسیر الجامع لاحکام القرآن می نویسد: اقوال المفسرین و اللغویین تدل علی ما ذکرناه و ان مرادهم بالنظر الیه قتله. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۵۵)

تاریخچه و شان نزول

اگر دنبال پیشینه چشم زخم و آزار و اذیت شخص یا زیان رسانی به اموال را دنبال کنیم، چشم زخم نه تنها قبل از اعراب در بین بنی اسرائیل رواج داشت،

بلکه از جهتی شدید از آنها بود. (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۳۳۲) آنچه در بین عرب معروف و مرسوم بوده، این بود که اگر عرب و بخصوص مردانی از قبیله بنی اسد اگر می خواست به خود شخص یا مالش آسیبی برساند، سه روز از غذا خوردن فاصله می گرفت و بعد از این امساک بر چیزی نمی گذشت که به آن بگویند تا امروز مانند آن را ندیده ام جز اینکه آن را چشم زخم می زد. (فراء، ۱۹۸۰، ج ۳، ص ۱۷۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۳۳۲؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۹۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۳؛ ماوردی، بی تا، ج ۶، ص ۷۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۲۷؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۴۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۳۶۸) برای آیه شریفه چند شان نزول در منابع روایی و تفسیری نقل شده است.

۱. سبب نزول آیه آن بود که کفار می خواستند رسول اکرم صلی الله علیه و آله را چشم بزنند تا وفات کند یا کشته شود. طایفه ای از بنی اسد معروف بودند به چشم بد، هر گاه یکی از آنها به گاو یا شتری نظری می افکند، فوراً آن حیوان می مرد یا مجبور می شدند آن را ذبح و نحر کنند. یکی از آنها کنیزی داشت، می گفت به او برخیز و زنبیل را همراه من بیاور تا گوشت فراهم کنم، می رفت هر کجا شتر یا گاو و گوسفند نیکوئی می دید، می گفت: چقدر نیکو است مانند آن این حیوان ندیده ام. فوراً صاحبش از ترس آن که هلاک شود آن را می گشت و نصیبی به او می داد و بر هر چه چشمش اصابت می کرد، طولی نمی کشید که او هلاک می شد. قریش به آن مرد گفتند بیا و نظر بر محمد افکن، تا چشمش به او رسد. آن مرد آمد نزد رسول خدا، آن حضرت مشغول قرأت قرآن بود، ساعتی به حضرت نظر انداخت و اندیشه می کرد و هیچ شک نداشت در آن که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به چشم او زده شود. پروردگار آیه «و ان یکاد الذین کفروا...»

را نازل نمود و آن حضرت را از چشم بد آن مرد نگاه و محفوظ داشت. (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۲۶؛ محقق، ۱۳۶۱، ص ۸۲۹؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۴۶۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۳۳۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۵۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۱۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۳۶۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۹۷)

۲. این آیه در زمانی نازل شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود در غدیر خم معرفی کرد. شیخ طوسی در تهذیب الاحکام ذیل آیه از حسان جمال روایت کرد که حضرت صادق علیه السلام را از مدینه به مکه می بردم، وقتی به مسجد غدیر خم رسیدیم آن حضرت نظری به طرف چپ کوه انداخت و فرمود: اینجا محل قدم مبارک پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که امیر المومنین علی علیه السلام را بروی دست بلند نمود و فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست، پروردگارا دوست بدار کسی را که علی را دوست می دارد و دشمن بدار آن را که علی را دشمن می دارد. بعد از آن نظری نمود به طرف دیگر و فرمود: اینجا محل خیمه فلان و فلان و سالم مولا ابی حذیفه و ابی عبیده جراح می باشد. وقتی مشاهده کردند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را که امیر المومنین علیه السلام را بروی دست مبارک بلند نمود، به یکدیگر گفتند: نظر کنید به چشمان محمد صلی الله علیه و آله که چگونه دور می زند، گویا مانند چشم شخص دیوانه است و خواستند حضرتش را چشم بزنند. جبرئیل نازل شد و آیه «و ان یکاد الذین کفروا...» را آورد و مقصود از ذکر وجود مقدس امیر المومنین علیه السلام است. حسان می گوید عرض کردم سپاس و ستایش می کنم پروردگار را که این حدیث را از دو لب شما بزرگوار به

گوش خود شنیدم. فرمود: ای حسا اگر نبودی شتربان ما، این حدیث را برای تو ذکر نمی کردم. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۶۳؛ حلی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۱۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۶۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۱۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۶۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۳۰؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۹۹؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۸۳؛ مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۲۴؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۹۸؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۲۶)

نمونه های تاریخی چشم زخم

چشم زخم چیزی است که نمی توان آن را انکار کرد و آن را امری خرافی دانست، چون که تاثیر نگاه شور بعضی از انسانها در هم نوع خود، داستان تجربه شده است. تاریخ نمونه هایی از تاثیر چشم زدن یا همان چشم زخم در انسانها را در خود ضبط کرده است که حقیقتا امواجی از چشمان اشخاص معینی بیرون آمده و در افراد تاثیر عمیقی گذاشته است که به عنوان نمونه می توان به این موارد اشاره کرد.

۱. مرحوم شیخ مفید در کتاب الارشاد فصل سی و هشتم که درباره جنگ حنین است، می نویسد:

بعد از فتح مکه، جنگ حنین با تعداد زیادی از مسلمانان بوقوع پیوست، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه ده هزار نفر از مسلمین به طرف دشمن حرکت کردند. اکثر مسلمین گمان می کردند بخاطر زیادی تعداد و تجهیزات نظامی پیروز خواهند شد. ابو بکر که از جمعیت مسلمین تعجب کرده بود گفت: «لن نغلب الیوم من قلة» امروز بخاطر کمی نفرات شکست نخواهیم خورد. ولی عاقبت جنگ

خلاف آنچه گمان می کردند شد و سپاه اسلام بواسطه تعجب ابو بکر از تعداد نفرات مورد چشم زخم او قرار گرفت و شکست خوردند. (مفید، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۴۰؛ کاشانی، ۱۳، ج ۴، ص ۲۴۶؛ سیواسی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۳۲؛ جزایری، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۹۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۱۹۸)

۲. محمد حنفیه فرزند امیرالمومنین چون در جنگ صفین شجاعتی از او ظاهر شد و سه مرتبه حمله کرد به لشکر معاویه، او را چشم زدند، یک طرف بدنش فلج شد و قدرت بر حرکت نداشت. (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۱۵۵)

۳. عامر بن ربیع، سهل بن حنیف را وقتی سفیدی بدنش را در حال شستن دید، گفت: به خدا تا به امروز ندیدم پوستش مانند کنیزان پرده نشین است. سهل بن حنیف بر پهلوی زمین دراز کشید و سرکشته و حیران شد. (حوی، ۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۶۰۷۳؛ میدانی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۷۶)

۴. اسماء دختر عمیس (همسر جعفر طیار) به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: فرزندان جعفر مبتلا به چشم زخم شده اند، پس دعا و تعویذی برایشان مرحمت فرما. فرمود: آری اگر از قضا و قدر، چیزی سبقت می گرفت هر آینه چشم زخم بود. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۰، ص ۵۱۲؛ طوسی، بیتا، ج ۱۰، ص ۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۳۸۴؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۲۴۸)

۵. حارث از حضرت علی علیه السلام نقل می کند که جبرئیل حضور مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و حضرت را اندوهناک یافت. پرسید: ای محمد! این چه اندوهی است که بر چهره ات می بینیم؟ رسول خدا در پاسخ فرمود: اندوه من از آن است که حسنین به چشم زخم مبتلا گردیده اند. جبرئیل

گفت: چشم زخم را نادیده مگیر و حقیقت آن را تصدیق کن. (فیروزآبادی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۹۲)

۶. شیخ بهایی از کتاب شبان الادباء نقل می کند که: در مدینه زنی بسیار شور چشم بود و به هیچ چیزی نگاه نمی کرد مگر اینکه نابودش می ساخت. وی به عیادت اشعب که در بستر احتضار بود و به سختی حرف می زد، رفت. اشعب نگریست و دید همان زن شور چشم می آید، صورتش پوشانید و گفت: ای زن، تو را به خدا سوگند اگر خوبی در من دیدی، صلواتی بر پیامبر بفرست. زن گفت: چشم تو بد است. تو در حالی نیستی که به چشم من خوش آیی، تو داری آخرین زمق زندگی خود را سپری می کنی. اشعب گفت: اینها را می دانم و می ترسم جان دادن سریع من به نظر تو خوش آید و من با سختی جان دهم. (بهایی، ۱۳۹۰، ص ۷۲۳)

۷. سلمان فارسی به خاطر کارآیی فوق العاده اش مورد چشم زخم قیس بن ابی صعصعه قرار گرفت و بیهوش به زمین افتاد. در آن هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد او را وضو و غسل دادند و آب آن را در ظرفی جمع کرده، پشت سر او خالی کنند، بدین ترتیب سلمان بهبودی یافت. (صادقی اردستانی، ۱۳۸۹، ص ۷۳)

حقیقت و علت تاثیر گذاری چشم زخم

زیان امواج سوزان که از باطنی خبیث خارج می گردد، مورد اتفاق ارباب ملل و نحل است. (بلاغی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۷۸) بدین جهت بسیاری از مردم معتقدند در بعضی از چشم ها اثر مخصوصی است که وقتی از روی اعجاب به چیزی بنگرند،

ممکن است آن را از بین ببرند، یا در هم شکنند و اگر انسان است بیمار یا دیوانه کنند. چرا که این از خصائص بعضی از نفوس است که چشم زخم دارند و اثرش در چشم ظاهر می شود. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۳۸؛ قونوی، ۱۴۲۲، ج ۱۹، ص ۲۵۲؛ مراغی، بی تا، ج ۲۹، ص ۴۸)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل عنوان «دلیلی بر نفی چشم زخم و خرافی بودن آن نیست» می نویسند: چشم زخم نوعی از تاثیرات نفسانی است و دلیلی عقلی بر نفی آن نداریم، بلکه حوادثی دیده شده که با چشم زدن منطبق هست و روایاتی هم بر طبق آن وارد شده و با این حال علت ندارد که ما آن را انکار نموده و بگوییم یک عقیده خرافی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۶۸) البته این مسئله از نظر عقلی و علمی امر محالی نیست، چون در بعضی از چشم های شور خاصیتی است که اجزای مرئی و لطیف از آنها خارج می شود و در طرف مقابل اثر می گذارد. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۲۶۰) علاوه بر آن نیروهای مرموز و مخرب همچون نیروی مغناطیس و اشعه لیزر در طبیعت وجود دارد و چشم زخم هم می تواند یکی از آنها باشد. بسیاری از دانشمندان امروز معتقدند در بعضی از چشم ها نیروی مغناطیسی خاصی نهفته شده که کارایی زیادی دارد و حتی با تمرین و ممارست می توان آن را پرورش داد. در دنیایی که اشعه لیزر که شعاعی است نامرئی می تواند کاری کند که از هیچ سلاح مخربی ساخته نیست، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۴۲۷) تاثیر فراوان نگاه در خواب های مغناطیسی که با نگاه کردن به فرد چنان تصرفی می کنند که شخص مورد نظر به خواب عمیقی فرو می رود و از اسرار درونی خود خبر می دهد، همچنین انتقال افکار بصورت تله

پاتی از فردی به فرد دیگر که در عالم واقع اتفاق می افتد، (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۴۲۲) پذیرش این امر کار عجیبی نخواهد بود.

حکایت قرآن از توصیه حضرت یعقوب نبی علیه السلام به فرزندان مبنی بر اینکه از یک در وارد مصر نشوند، چنانچه ابن عباس، قتاده، ضحاک، سدّی، حسن، بلخی و رمّانی و اکثر مفسرین قائل به آن هستند، بخاطر آن بود که حضرت یعقوب از چشم زخم بر فرزندان می ترسید. (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۰؛ ابوزهره، ۱۳۷۹، ص ۶۴۱؛ روح البیان، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۲۸؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۳۷) البته در خصوص آیه سوره یوسف و توصیه حضرت یعقوب به فرزندان در بین مفسرین فریقین اقوالی بیان شده است که هر کدام به جهت علتی که یاد می کنند، در نهایت به تاثیر چشم زخم مرتبط می دانند. برخی داشتن جمال زیبا و نورانی و قیافه های خوب و جذاب را علت سفارش و عدم گرفتاری به چشم زخم را مطرح می کنند. (هواری، ۱۴۲۶، ۲، ۲۴۷؛ جصاص، ۱۴۰۵، ۴، ۳۹۰؛ طوسی، بی تا، ۶، ۱۵۷؛ طبرسی، ۱۳۷۵، ۳، ۲۳۰) عده ای دیگر از مفسران قدرت جسمانی و تعداد فرزندان از یک پدر و ترس از حسد حسودان از این که نیرو و قدرت آنها گوشزد سلطان مصر شود و آنها را زندانی یا به قتل برساند را علت ترس می دانند و در نهایت به چشم زخم اشاره می کنند. (طبری، ۲۰۰۸، ۳، ۴۹۵؛ ماوردی، بی تا، ۳، ۵۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ۱۳، ۹؛ طبرسی، ترجمه، ۱۲، ۲۵۹) چنانکه صاحب تفسیر نمونه می نویسد: ممکن بود وارد شدن دسته جمعی آنها به یک دروازه مصر و حرکت گروهی آنان با قیافه های جذاب و اندام درشت، حسد حسودان را برانگیزد و نسبت به آنها نزد دستگاه حکومت سعایت کنند و آنها را به عنوان یک جمعیت بیگانه که قصد خرابکاری دارند مورد سوء

ظن قراد دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۰، ۳۰) برخی دیگر از مفسران علت ترس حضرت یعقوب علیه السلام را مطلق چشم زخم می دانند (جرجانی، ۱۴۳۰، ۲، ۱۳۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۱۲، ۹۰) و در مقابل برخی معتقدند که آیه هیچ اشاره ای به این امر ندارد. صاحب تفسیر کاشف می نویسد: در هر حال مادام که آیه بدان اشاره نکرده است، ما وظیفه نداریم که درباره سبب سفارش یاد شده تحقیق کنیم. (ابن مغنیه، ۱۴۲۴، ۴، ۳۳۷) علامه طباطبایی به توجه به سیاق آیات، توصیه حضرت یعقوب علیه السلام به فرزندان را چنین تبیین می کنند: از سیاق داستان چنین استفاده می شود که یعقوب از جان فرزندان خود که یازده نفر بودند می ترسیده نه اینکه از این ترسیده باشد که عزیز مصر ایشان را در حال اجتماع، و صف بسته ببیند، زیرا یعقوب علیه السلام می دانست که عزیز مصر همه آنها را نزد خود می طلبد و ایشان در یک صف یازده نفری در برابرش قرار می گیرند و عزیز می داند که ایشان همه برادران یکدیگر و فرزندان یک پدرند، این جای ترس نیست، بلکه ترس یعقوب بطوری که دیگران هم گفته اند، از این بوده که مردم ایشان را که برادران از یک پدرند در حال اجتماع ببینند و چشم بزنند و با بر آنان حسد برده (و برای خاموش ساختن آتش حسد خود، وسیله از بین بردن آنان را فراهم سازند) و یا از ایشان حساب ببرند و برای شکستن اتفاقشان توطئه بچینند، یا به قتلشان برسانند و یا بلای دیگری بر سرشان بیاورند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۹۷؛ رک: طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۲۵۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۴۸۱)

توجه به این نکته ضروری است که وقتی می گویند چشم، چشم انسان به تنهایی موضوعیت ندارد، بلکه روح بعضی ها این قدرت را دارد که اثر گذاری بر چیزهای

خارجی داشته باشد، حتی ناخودآگاه و ناخواسته. در حقیقت، چشم زخم این طور است که چیزی برای شخصی جلب توجه می کند و در روحش اثر می گذارد و او می تواند با روحش بر دیگری و یا بر چیزی که برایش جالب بوده، اثر منفی بگذارد. از نظر کسانی که روح شناس و انسان شناس هستند، ثابت شده که انسان می تواند اثر غیر مادی بر خارج داشته باشد. (کاشفی، ۱۳۸۹، ج ۳۶، ص ۲۵۵) در اصل چشم زخم نیروی فکر و اندیشه انسان هاست که به ظهور می رسد و چشم تنها یک وسیله و ابزار است. علت این که این عمل به چشم نسبت داده می شود، نقش اساسی آن در این جریان است. زیرا انسان هنگامی که چیزی را مشاهده می کند، افکاری در ذهن او شکل می گیرد که بصورت امواج از ذهن او خارج می شود و بر آن چیز تاثیر می گذارد. برخی از قرآن پژوهان دلیل آن را مسائل طبیعی مانند روح شخص چشم زننده و تاثیر آن را به دلیل امواج تشعشع کننده از چشم شخص دانسته اند که در اثر کنش ویژه ای در درون انسان پدید می آید و بیشتر به دلیل حسادت ناروا و چه بسا ناخودآگاه بوده که به گونه ای ناگهانی عمل می کند. این تشعشعات سمی چیزی شبیه امواج الکتریسیته است و تاثیر فوری دارد و چیز عادی و طبیعی است. (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳) به تعبیر صاحب نمونه، قسمتی از این موضوع حق است و از نظر علمی نیز بوسیله سیاله مغناطیسی مخصوصی که از چشم بیرون می پرد، قابل توجیه است، هر چند عوام الناس آن را با مقدار زیادی از خرافات آمیخته اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۰، ۳۰)

شیخ بهایی رضوان الله علیه می نویسد: هندی ها با کوشش بسیاری که در ریاضیات متحمل شده اند، از محسوسات بی نیاز شده و تجلیات ویژه ای از عالم

برای آنها هویدا گردیده، تا جایی که از مغیبات احوال خبر می دهند و می توانند جلو باران را بگیرند و گاهی بر اثر رشد قوه واهمه می توانند انسانی را در حال حاضر از پای در آورند، البته اظهار مزبور مستبعد نیست، زیرا قوه واهمه می تواند بر اجسام اثر بگذارد و در نفوس تصرف داشته باشد. چنانچه چشم زخم اثر تصرف قوه واهمه است. (بهایی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۳) حکیم قائینی نیز در رسائل عرفانی و فلسفی می نویسد: چشم رسیدن از تاثیر نفوس بود که قوه واهمه اندر او و در اصل خلقت قوی افتاده باشد و مواد عنصری را بی طاعت باز داشته باشد. و نزدیک است که این مرتبه از تاثیر به سحر طبیعی نزدیک بود. (قائینی، ۱۳۶۴، ص ۴۴)

ملاهادی سبزواری در منظومه حکمت در مقصد پنجم، فریده سوم در مورد افعال غریبه نفس می نویسد: همانا پدیده های درونی اموری را ایجاد می نماید مانند گرمی بدن که از غیر حرارت خارجی پدید می آید، چون نفس ناطقه انسان امری است ربانی و سری است سبحانی که کریم الاصل و از سنخ مجردات است، لذا به نیروی فعاله خود می تواند اموری را در درون خویش تصور و ایجاد کند به طوری که تصورات انسان منشأ و مصدر اموری واقع شوند مانند اینکه در اثر عشق و غضب بدن انسان گرم می شود و در اثر تصور ترش دهان انسان آب باز می کند و کسی که روی دیوار بلندی راه می رود بواسطه توهم افتادن بدنش به لرزه در آمده، سقوط می کند و مانند شخص بیماری که بدون اسباب خارجی در اثر چشم زخم بیمار شده باشد. گاهی انسان در اثر چشم زخم دیگران رنجور و زار می گردد چنانچه صاحبان نفس خبیثه چیزی را بنگرند و از خوبی و زیبایی آن به شگفت آیند و آن را تحسین کنند و لکن حسادت و زشتی طینت آنان اثر نموده وی را مسموم می نماید. لذا گفته اند زهر آدمی از زهر مار گزنده تر است. چون

زهر مار دوا می پذیرد، ولی زهر زخم چشم دوا ندارد) مگر دعاها و تغویذات و رقیه ها). (سبزواری، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۶۲؛ خزائلی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۳)

صاحب تفسیر روح البیان می نویسد: نظر کننده گاهی از چشم وی اثرات سمی پدید می گردد و در غیر نفوذ می نماید و وی را یا فاسد می گرداند یا هلاک می نماید. چنانچه در بعضی از مارها چنین است. ذاتی که دارای سم اخلاقی است بالقوه دارای تاثیر است، وقتی با آن کس که ضدیت و دشمنی دارد مقابل گردید و قوه غضب به هیجان آمد، آن وقت اثر آن خباثت و شری که در وجود او مخفی بود، تحریک می گردد و ظهور می نماید و گاهی چنان شدید می شود که ممکن است جنین را در رحم سقط نماید و گاهی به مجرد نظر کردن، تاثیر می نماید. پس استبعاد ندارد که از چشم بعض مردم اجزاء لطیفی خارج گردد که دیده نشود و برسد به آن چیزی که طرف توجه وی واقع گردیده و به آن اصابت نماید. زیرا همانطور که نفوس بشر در حقیقت و ماهیت مختلفند در تاثیر نیز یک طور نیستند. (روح البیان، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۲۹) به دیگر سخن نفوس بعضی از انسانها بر اثر غلبه صفات ذمیمه ای چون شرارت، حسد، طمع، بدبینی، بدخواهی و غیره، قدرتی فوق العاده پیدا می کنند و هنگام روبرو شدن با مواردی که موجب تعجب، حسد و یا سوء نیت آنها می شود، قدرت زیاد نفس شیریشان، باعث فساد و تباهی آن می گردد. (غفاری، ۱۳۸۰، ص ۲۷۱) همانطوری که نفوس بشر در جوهر ذات و صفات و حقیقت مختلف و متفاوتند، همین طور در آثار و خصوصیات نیز تفاوت بسیار دارند و در هر فردی از بشر آثار و خصوصیات است که در دیگری نیست. پس ممکن است در چشم بعض مردم خصوصیتی باشد که در غیر نفوذ نماید و همین طور که نفس و روح هر بشری در بدن خود تاثیر دارد، ممکن است بعضی

از نفوس در بدن غیر نیز تاثیر کند. البته نفس شرور اثر آن نیز شر است و عمل آن ضرر وارد نمودن به غیر و نفس خیر پاک اثر آن خیر است. (امین، بی تا، ج ۱۴، ص ۶۲)

خواجه نصرالدین طوسی در فصل بیست و نهم از نمط دهم الاشارات و التنبيهات به تبع از ابن سینا می نویسد: مبدأ چشم زخم یک حالت نفسانی اعجاب آور است که در شیء یا شخص مورد تعجب تاثیر بد می گذارد و این بر اثر خاصیت آن است. (طوسی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۱۵۹؛ ابن سینا، ۱۳۸۱، ص ۳۹۰) سخن آخر اینکه آیت الله خویی رضوان الله علیه در جواب سوالی در خصوص چشم زخم و اینکه آیا از نصوص شرعی می توان آن را ثابت کرد و حقیقت دارد یا نه؟ فرموده اند: این امر بعید نیست و شاید خداوند اشاره کرده به این امر به آیه «و ان یکاد الذین...» (خویی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۳۴) به نظر مفسرین و قرآن پژوهان، علت اساسی در تاثیر چشم زخم تاثیر قوه واهمه، قوه غضب، قوه عشق و غلبه صفات ذمیمه ای همچون حسد، بدبینی و بدخواهی در طرف مقابل است که از طریق چشمان نافذ فرد تعجب کننده در شخص ایجاد می شود و تاثیر حقیقی در فرد می گذارد و او را مریض یا هلاک می کند.

مخالفان چشم زخم

ابوعلی جبائی جزو کسانی است که چشم زخم را انکار کرده و آن را بی پایه و اساس می داند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۲۵۹؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۹۱) سید رضی نیز با استعاره خواندن بیان آیه و اینکه نگاه دشمنان همراه با بغض و کینه بوده است، دلالت آیه بر چشم زخم را قبول ندارند. شبیه همین بیان را سید قطب نیز مطرح می کند. (سید رضی، ۱۴۰۶، ص ۳۴۳؛ قطب، ۱۴۲۵، ج ۶،

ص ۳۶۷۱) عده ای معتقدند این عمل مورد پذیرش مردم عوام است و با دلیل محکم ثابت نشده است. (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۱۶۷) چگونه می شود از طریق چشم به دیگری ضربه زد و بر چیزی تاثیر گذاشت؟ اگر چشم زخم امکان پذیر است، چرا همه انسانها چنین ویژگی ای ندارند و چرا در بعضی از موارد اثر می گذارد و در همه چیز اثر نمی گذارد. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۲۶۱) برخی نیز تصور بر این دارند که تاثیر یک جسم در جسم دیگر زمانی منطقی و پذیرفتنی است که با یکدیگر تماس داشته باشند و در اینجا تماسی در کار نیست تا بخواهد تاثیر داشته باشد. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۶۱۸) به دیگر سخن اجزای تشکیل دهنده این جهان از جوهر است و جوهر در مثل خود یعنی در جوهر دیگر اثر نمی گذارد. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۲۶۱) بنابراین دلیلی بر پذیرش پدیده چشم زخم وجود ندارد.

برخی نیز بر این باورند که چون علم روز و تجربی وجود سحر و چشم زخم را تایید نمی کند و دلایل علمی برای اثبات این مسائل در دست نیست، پس این موارد وجود ندارد. عده ای دیگر از قرآن پژوهان علت مخالفت خود با پدیده چشم زخم را به خود لفظ ازلاق مرتبط می دانند و دلالت آیه را به پدیده چشم زخم کافی نمی دانند. آنها منظور از «ازلاق بابصار» را با نگاه تند و خشمگینانه به کسی نگریستن می دانند و آیه را چنین معنی می کنند. نزدیک بود تو را از موضعی که داشتی با شدت خشم و وحشتی که در نگاه تند و خشمگینانه شان به تو بود، بلغزانند. (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۲۸۰؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۲۴۸؛ مراغی، بی تا، ج ۲۹، ص ۴۷)

شهید مطهری رضوان الله علیه نیز به نوعی دیگر تاثیر بازدارندگی چشم زخم را مورد نقد قرار می دهند. ایشان می نویسند: چشم زخم اگر هم حقیقت داشته باشد، به این معنای رایج امروز در میان ما قطعاً نیست. همان کفار جاهل هم به چنین چیزی قائل نبودند، بلکه معتقد بودند که یک نفر وجود دارد و احیاناً در یک شهر ممکن است یک نفر یا دو نفر وجود داشته باشند که چنین خاصیتی در نگاه و نظر آنها باشد. پس قطعاً به این شکل که همه مردم، دارای چشم شور هستند و همه مردم به اصطلاح نظر می کنند، نیست. دوم آنکه اگر بعضی مردم دارای چنین خصلت و خاصیتی باشند، آیه «وان یکاد» خاصیت جلوگیری از چشم زخم دارد؟ ما تا حالا به مدرکی برخورد نکرده ایم که دلالت کند و بگوید از این آیه برای چشم زخم استفاده کنند. اینکه چشم زخم حقیقت است یا نه، یک مسئله است و اینکه این آیه برای دفع چشم زخم باشد، مسئله دیگری است. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۶، ص ۶۳۲)

موافقان چشم زخم

برخی از کسانی که مسئله چشم زخم را انکار کرده اند، معتزلی مذهب بوده اند و این بر می گردد به فضای فکری آنها، چون هر پدیده را با عقل ناقص بشری می سنجند و چون عقل در بسیاری از مسائل ماوراء طبیعت و متافیزیکی راه به جایی نمی برد، ناگزیر آن را انکار کرده اند. (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۸۱) به دیگر سخن، علت اینکه این افراد پدیده چشم زخم را انکار می کنند به خاطر غیر قابل درک بودن چگونگی تاثیر چشم زخم برای آنها بوده است و این مسئله بر می گردد به ماهیت چشم زخم که از امور متافیزیکی و ماوراء طبیعت است که به بعد ناشناخته وجود آدمی یعنی روح بر می گردد. چون

مسئله روح و فعل و انفعالات آن برای آنها مبهم و پوشیده است، موجب انکار آنها شده و گرنه بسیاری از منکران، مسئله چشم زخم را قبول داشته و درباره آن سخن گفته اند.

اکثر علما بر این نظرند که نگاه دشمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله از روی تحسین و اعجاب بود، زیرا هنگامی که پیامبر اکرم قرآن را می خواند، نزدیک بود مشرکان او را به خاطر نیک خواندن چشم بزنند. (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۹۹) بدین جهت برخی از کسانی که مخالف دلالت آیه شریفه به شور چشمی هستند، می گویند: چشم زخم هنگامی رخ می دهد که منظره ای خوشایند باشد و نه نفرت انگیز و کفار با نگاه خشم و کینه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می نگریستند، نه نگاه تحسین آمیز. (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۲۸۲؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۹۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۶۱۹؛ مراغی، ج ۲۹، ص ۴۷؛ زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲۹، ص ۷۵) امام فخر رازی در جواب این دلیل مخالفت می نویسد: این نظر که چشم زخم از نیکی شیء نشئت می گیرد و مردم این چنین به پیامبر اکرم نگاه نمی کردند، بلکه نسبت به او بغض و کینه داشتند، ضعیف است. چرا که کافران اگر چه از جنبه دینی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بغض می ورزیدند، اما از نظر فصاحت و بلاغت با دیده تحسین به او می نگریستند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۶۱۸) در ثانی چشم زخم لازم نیست از دشمن باشد، گاهی دوست از دوست خودش بخاطر داشتن کمالی تعجب می کند و لذا گفته شده اگر از دوست خود چیزی دیدید که تعجب کردید، خدا را یاد کنید تا بلای چشم زخم دفع شود. (قراحتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۹۲) ابن سینا فیلسوف و دانشمند مشهور ضمن قبول اثر بخشی چشم زخم می گوید؛ همانطور که روح و نفس هر بشری بر بدن

خود او تاثیر می گذارد، ممکن است بر بدن غیر نیز اثر بگذارد. (معرفت، ۱۴۲۴، ص ۲۳۳) علاوه بر آن به فرمایش مرحوم علامه طباطبایی ما دلیل عقلی بر نفی چشم زخم نداریم، بلکه حوادثی دیده شده که با چشم زدن منطبق هست و روایاتی هم در آن باره وارد شده است و با این حال علت ندارد که ما آن را انکار نموده بگوییم یک عقیده خرافی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۶۴۸؛ حوی، ۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۶۰۷۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۱۹؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۹۱؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۲۴۸) این امر چنان بین مفسرین پذیرفتنی است که جاحظ ضمن قبول چشم زخم این تاثیر را برای چشم حیوانات نیز ممکن می داند و می گوید: علمای فارس، هند، پزشکان یونان، علمای عرب و اهل تجربه از ترس نفوس و چشمان حیوانات اکراه داشتند در بین حیوانات و درندگان چیزی بخورند، و ما نمی توانیم این پدیده را منکر شویم و حدیث «العين حق» را رد نماییم. زیرا متواتر است و واقعیت و تجربه آن را ثابت می کند. (معرفت، ۱۴۲۴، ص ۲۳۴) شاید همین باشد سر اینکه در روایات و احادیث رسیده که نظر کردن گربه و سگ بر غذا مضر است و بایستی به چند لقمه آنان را رد نمود و نیز غذایی که در مغازه ها و در محل عبور و مرور مردم تهیه می گردد خوب نیست، زیرا نظر کردن اثرات بد دارد و در غذا نفوذ می نماید و ممکن است خوردن آن سبب مرض گردد. (امین، بی تا، ج ۱۴، ص ۶۳)

مسلم بودن حقیقت چشم زخم و تاثیر آن در بین برخی مفسرین و محقق الوقوع بودن آن، برخی را بر آن داشته که در مقابل مخالفان با زبانی طعنه آمیز سخن بگویند. ابوالفتوح رازی در پاسخ به ابوهاشم بلخی می نویسد: به نظر می آید ایراد کنندگان، مذهب مادیین داشته باشند و تاثیر اسباب روحی را باور نمی کردند، در

صورتی که هر فرد خردمندی می داند که چون صحت چیزی معلوم نشود باید درباره آن سکوت کرد نه انکار، تاثیر روح انسان در خارج از بدن خود محال نیست، بلکه بسیار دیده شده است گروهی به نظر، دیگری را در خواب می کنند یا پاره ای از اشیاء را از زمین حرکت می دهند. به هر حال تاثیر اسباب دیگر غیر مادی محال نیست. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۲۴۴) صاحب تفسیر لاهیجی نیز به بیانی دیگر می گوید: اکثر علما و سید مرتضی علم الهدی نیز تجویز این معنی کرده اند و جمعی که تجویز آن نمی کنند باید به اصابت عین گرفتار شوند تا امر محقق الوقوع را انکار ننمایند. (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۵۷)

تاثیر بازدارندگی

در خصوص تاثیر چشم زخم و اثرات شوم آن بر انسان، تقریباً مورد اتفاق مفسران است و امری است که هم علم و هم عقل و هم تجربه آن را ثابت کرده است و دلیل عقلی برای مخالفت آن بیان نشده است. اما علت اینکه برخی از این شعار قرآنی برای دوری از چشم زخم استفاده می کنند و اینکه این آیه تاثیری برای بازدارندگی دارد یا نه؟ بخاطر اینکه در این آیه نشانه و دلیلی است بر اینکه چشم زخم و تاثیر آن حقیقت دارد هم چنانکه روایات زیادی بر این امر وارد شده است. (حوی، ۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۶۰۷۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۱۹) اقوال مفسرین به دو صورت بیان شده است.

۱. قول اول آن است که این آیه حالت بازدارندگی دارد و باعث دفع اثرات چشم زخم از وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شد. صاحب تفسیر منهج الصادقین می نویسد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود و قرآن می خواند، این جماعت بر در مسجد ایستاده انتظار می کشیدند تا آن حضرت از

مسجد بیرون آید او را به بد چشمی آفتی رسانند، جبرئیل علیه السلام آمد و این آیه را آورد و گفت: یا رسول الله این آیه را تلاوت فرما تا از چشم زخم ایمن باشی، آن حضرت آیه را خواند و از مسجد بیرون آمد. (کاشانی، ۱۳، ج ۹، ص ۳۹۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۳۷۰) حتی برخی از مفسرین در خصوص حالت بازدارندگی دافعی آیه شریفه به صراحت نوشته اند: ان فی هذه الآية خاصية لدفع العين. (روح البیان، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۲۸؛ حائری طهرانی، ۱۳۳۸، ج ۱۱، ص ۲۲۲) ابو حیان از قول قتاده نقل می کند که: نزلت لدفع العين حين ارادوا ان يعينوه عليه السلاة و السلام (ابو حیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۲۵۰) قونوی در حاشیه تفسیر بیضاوی ذیل آیه می نویسد: ان قراءة هذه الآية تدفع باذن الله تعالى اصابة العين و ضررها. (قونوی، ۱۴۲۲، ج ۱۹، ص ۲۵۲) برخی دیگر از مفسرین نگه داشتن خداوند از اثرات چشم زخم را اثر بازدارندگی این آیه بیان کرده اند که: فارادوا ان يصيبوه بالعين فعصمه الله و نزلت «و ان يكاد الذين...» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۵۵؛ رسعی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۲۴۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ص ۳۵۹؛ میدانی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۲۷) آقای خرمشاهی آیه «و ان يكاد» را دافع چشم زخم می داند و می نویسد: از دیگر تعویذهای قرآنی می توان به آیه و ان يكاد و آیه الكرسي اشاره کرد که برای دفع چشم زخم و یا محفوظ بودن از بلاها بصورت کتبی یا شفاهی تعویذ می کنند و از همه مهمتر و رایج تر تمام قرآن است که با خط بسیار ریز نوشته شده و بزرگسالان، کودکان را به آن تعویذ می کنند. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۳۲)

۲. قول دیگر آن است که آیه شریفه «و ان يكاد» در بازدارندگی از چشم زخم حالت رافعی دارد و اگر کسی گرفتن چشم زخم شود با خواندن این آیه می تواند

اثرات شور چشمی را از خود دور کنند. از حسن بصری نقل می کنند که گفت: دواء من اصابته العين ان یقرأ هذه الآية. (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۴۷۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۳۵۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۳۷۱؛ طبرسی، ۱۳۵۷، ج ۶، ص ۴۰۳؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۴۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۶۱۹) ابن جزی نیز نقل می کند که دواي کسی که به او چشم زخم اصابت کرده، خواندن این آیه شریفه است. (ابن جزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۰۴)

نتیجه

چشم زخم و آزار و اذیت دیگران بواسطه شور چشمی از دیر زمان در بین مردم رواج داشته و دارد. پیشینه تاثیرات شوم چشمان نافذ برخی از افراد به زمان بنی اسرائیل و در زمان حضور حضرت رسول صلی الله علیه و آله به قبیله بنی اسد بر می گردد که برخی از آنها بواسطه امساک سه روز و با تقویت قوه واهمه از طریق چشم زخم کارهایی انجام می دادند که نه تنها امر خرافی نبوده بلکه تاثیرات حقیقی در عالم واقع ایجاد می کرد. آیه شریفه ۵۱-۵۲ سوره قلم که معروف و مشهور به آیه «وان یکاد» است، در نگاه مفسرین فریقین برای دفع چشم زخم و آثار زیان بار آن از وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است. عده ای تصور بر این دارند که این پدیده امری مجازی است و تاثیرات حقیقی ندارد. از بررسی اقوال موافقین و مخالفین، نیز نمونه های تجربی تاریخی استفاده می شود که چشم زخم واقعی است که آثار شوم آن که برگرفته از تاثیرات قوه واهمه فرد تعجب کننده از روی خشم و کینه و غضب یا عشق و محبت در فرد مقابل، قابل انکار نیست. این آیه از وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آثار چشم زخم را برداشت و خداوند نگذاشت تاثیرات شوم چشمان قبیله بنی اسد بر آن حضرت

کارگر شود. بنابراین استفاده از این آیه بصورت تابلو فرش در منازل علاوه بر ترویج شعار قرانی، می تواند آثار شوم برخی از چشم ها را دفع کرده و یا احیاناً رافع برخی از اثرات شوم شور چشمی گردد.



منابع:

قرآن کریم

۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۱۳، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
۲. ابن جزی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت، شرکة دار الارقم بن ابی الارقم، اول.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتب العربی، اول.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۸۱، الاشارات و التنبیہات، محقق مجتبی زارعی، قم، بوستان کتاب، اول.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۶۹، متشابه القرآن و مختلفه، قم، دار البیدار للنشر، اول.
۶. ابن عطیه، عبد الحق بن غالب، ۱۴۲۲، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، اول.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴، معجم مقاییس اللغة، به کوشش عبد السلام محمد هارون، قم، نشر مکتبة الاعلام الاسلامی.
۸. ابن قتیبه، عبد الله بن مسلم، ۱۴۱۱، تفسیر غریب القرآن، بیروت، دار و مکتبة الهلال، اول.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، اول.

۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت، نشر دارصادر،

چ ۳.

۱۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸، روض الجنان و روح الجنان فی

تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی،

اول.

۱۲. ابوحیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت،

دارالفکر، اول.

۱۳. ابوزهره، محمد، ۱۳۷۹، معجزه بزرگ، ترجمه محمد ذبیحی، مشهد،

آستان قدس رضوی، دوم.

۱۴. اشکوری، محمد بن علی، ۱۳۷۳، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر

داد، اول.

۱۵. امین، نصرت بیگم، بی تا، مخزن العرفات در تفسیر قرآن، بی جا، بی نا،

اول.

۱۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه

البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه، اول.

۱۷. بروجردی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، تفسیر الجامع، تهران، کتابخانه صدر،

چ ۶.

۱۸. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰، معالم التنزیل، بیروت، دار احیاء التراث

العربی، اول.

۱۹. بقاعی، ابراهیم بن عمر، ۱۴۲۷، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور،

بیروت، دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، چ ۳.

۲۰. بلاغی، سید عبد الحجت، ۱۳۸۶، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، انتشارات حکمت، اول.
۲۱. بلخی، ابوالحسن مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۲۲. بولتون، رابرت، ۱۳۸۰، مهارتهای ارتباطی، ترجمه: منصور شاه ولی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، اول.
۲۳. بهایی، محمد بن حسین، ۱۳۹۰، کشکول، قم، نیلوفرانه، اول.
۲۴. بیضاوی، عبد الله بن عمر، ۱۴۱۸، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۲۵. ثعالبی، عبد الرحمن بن محمد، ۱۴۱۸، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۲۶. ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲، الکشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۲۷. ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران، برهان، چ ۲.
۲۸. ثلاثی، یوسف بن احمد، ۱۴۲۳، تفسیر الثمرات الیانه و الاحکام الواضحه القاطعة، صعده، مکتبه التراث الاسلامی، اول.
۲۹. جرجانی، حسین بن حسن، ۱۳۷۸، جلاء الازهار و جلاء الاحزان، تهران، دانشگاه تهران، اول.
۳۰. جزایری، نعمت الله، ۱۳۸۸، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، قم، نور وحی، اول.
۳۱. جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶، تفسیر کوثر، قم، موسسه انتشارات هجرت، اول.

۳۲. حائری طهرانی، علی، ۱۳۳۸، مقتنیات الدرر، تهران، دار الکتب الاسلامیه،
اول
۳۳. حسینی همدانی، محمد، ۱۴۰۴، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران،
لطفی، اول.
۳۴. حق برسوی، اسماعیل بن مصطفی، بی تا، تفسیر روح البیان، بیروت،
دارالکفر، اول.
۳۵. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۲، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب،
مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، اول.
۳۶. حوی، سعید، ۱۴۲۴، الاساس فی التفسیر، قاهره، دارالسلام، چ ۶.
۳۷. حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان،
چ ۴.
۳۸. خرمشاهی، بهاء الدین، ۱۳۷۷، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران،
انتشارات دوستان.
۳۹. خزائلی، محمد علی، ۱۳۸۷، متن و شرح و تفسیر دعای ابو حمزه ثمالی،
قم، ابتکار دانش، اول.
۴۰. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۶، صراط النجاة، قم، مکتب نشر المنتخب،
اول.
۴۱. دامن پاک مقدم، ناهید، ۱۳۸۰، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن،
تهران، نشر تاریخ و فرهنگ، اول.
۴۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چ ۲.
۴۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۹، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه:
غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، اول.

۴۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالشامیه، اول.
۴۵. رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله، ۱۴۲۹، رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز، مکه، مکتبه الاسدی، اول.
۴۶. زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۱۸، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعہ و المنهج، بیروت، دارالفکر المعاصر.
۴۷. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، بیروت، دار الكتاب العربی، چ ۳.
۴۸. سبحانی یامچی، محمد، ۱۳۸۸، هنر سخنرانی (شیوه ها و مهارتها)، تهران، هستی نما، اول.
۴۹. سبزواری، ملا هادی، ۱۳۷۹، شرح المنظومه، تحقیق و تعلیق: حسن زاده آملی، تهران، نشر ناب، اول.
۵۰. سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۶، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دارالفکر، اول.
۵۱. سیواسی، احمد بن محمد، ۱۴۲۷، عیون التفاسیر، بیروت، دارصادر، اول.
۵۲. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۰۶، تلخیص البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الاضواء، چ ۲.
۵۳. شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴، فتح القدیر، دمشق، دار ابن کثیر.
۵۴. صادقی اردستانی، احمد، ۱۳۸۹، سلمان محمدی، تهران، مشعره، اول.
۵۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.

۵۶. طبرانی، سلمیان بن احمد، ۲۰۰۸، تفسیر الکبیر، اربد، دار الکتاب الشقاقی، اول.
۵۷. طبرسی، فضل بن علی، ۱۳۵۷، جوامع الجامع، ترجمه علی عبد الحمیدی و دیگران، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، اول.
۵۸. طبرسی، فضل بن علی، ۱۳۶۰، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه جمعی از نویسندگان، تهران، انتشارات فراهانی.
۵۹. طبرسی، فضل بن علی، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
۶۰. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، اول.
۶۱. طوسی (خواجه نصیر الدین)، محمد بن محمد، ۱۴۲۵، شرح الاشارات و التنبیها، محقق حسن حسن زاده آملی، قم، بوستان کتاب.
۶۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۴.
۶۳. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۶۴. طیب، عبد الحسین، ۱۳۶۹، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلامی، چ ۲.
۶۵. علی بن الحسین، ۱۴۱۹، الصحیفه السجادیه الكامله، قم، مشعر، اول.
۶۶. عمید، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۲۲.
۶۷. غفاری، سید محمد خالد، ۱۳۸۰، فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، اول.

۶۸. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۶۹. فراء، یحیی بن زیاد، ۱۹۸۰، معانی القرآن، قاهره، الیهیئة المصریئة العامة للکتاب، چ ۲.

۷۰. فیروزآبادی، حسین، ۱۳۷۴، فضائل پنج تن در صحاح ششگانه، فیروزآبادی، اول.

۷۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، چ ۲.

۷۲. قاسمی، جمال الدین، ۱۴۱۸، تفسیر القاسمی المسمى محاسن التاویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، اول.

۷۳. قائینی، حکیم، ۱۳۶۴، رسائل عرفانی و فلسفی حکیم قائینی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، اول.

۷۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.

۷۵. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۶۴، قاموس قرآن، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چ ۹.

۷۶. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۵، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چ ۲.

۷۷. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، اول.

۷۸. قطب، سید، ۱۴۲۵، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، چ ۲۵.

۷۹. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، چ ۳.

۸۰. قونوی، اسماعیل بن محمد، ۱۴۲۲، حاشیة القونوی علی تفسیر الامام البیضاوی، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، اول.
۸۱. کاشانی، فتح الله، ۱۳ هـ ش، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامیة، اول.
۸۲. کاشانی، فتح الله، ۱۴۲۳، زبدۃ التفاسیر، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، اول.
۸۳. کاشفی، محمد رضا، ۱۳۸۹، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، قم، انتشارات دفتر نشر معارف، چ ۹.
۸۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴.
۸۵. ماوردی، علی بن محمد، بی تا، النکت و العیون، بیروت، دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، اول.
۸۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۱، آسمان و جهان، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران، انتشارات اسلامیة، اول.
۸۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۱۴، لوامع صاحبقرانی، قم، اسماعیلیان، چ ۲.
۸۸. محقق، محمد باقر، ۱۳۶۱، نمونه بینات در شان نزول آیات، تهران، اسلامی، چ ۴.
۸۹. مدرسی، محمد تقی، ۱۴۱۹، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، اول.
۹۰. مراغی، احمد مصطفی، بی تا، تفسیرالمراغی، بیروت، دارالکفر، اول.
۹۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.

۹۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، مجموعه آثار، تهران، نشر صدرا.
۹۳. معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۵، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، ترجمه حسن حکیم باشی، قم، موسسه فرهنگی تمهید، اول.
۹۴. معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۸، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، قم، تمهید، چ ۲.
۹۵. معرفت، محمد هادی، ۱۴۲۴، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم، نشر موسسه التمهید، چ ۲.
۹۶. مفید، محم بن محمد، ۱۳۷۲، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، دار المفید، اول.
۹۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۱۰.
۹۸. ملکی میانجی، محمد باقر، ۱۴۱۴، مناهج البیان فی تفسیر القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، اول.
۹۹. مولوی، جلال الدین، ۱۳۷۳، مثنوی معنوی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول.
۱۰۰. میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، کشف الاسرار و عدۀ الابرار، تهران، امیر کبیر، چ ۵.
۱۰۱. میدانی، عبد الرحمن حسن حنیکه، ۱۳۶۱، معارج التفکر و دقائق التدبر، دمشق، دارالقلم، اول.
۱۰۲. واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱، اسباب نزول القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، اول.

۱۰۳. واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۵، الوجیز فی تفسیر الکتاب
العزیز، بیروت، دار القلم، اول.

